کارشناس مسائل سیاسی در گفت و گو با «ایران» با اشاره به زمینه سازی غربی ها برای صدور قطعنامه حقوق بشری علیه ایران، مطرح کرد

پاسخ هزینه تراشی، هزینه سازی است

گروه سیاسی/ شورای حقوق بشر سازمان ملل، سوم آذرماه در همسویی با جنگ روانی غرب علیه ایران با وجود ۲۱ رأی مخالف و ممتنع، قطعنامه‌ای را به بهانه نقض وضعیت حقوق بشر در ایران به تصویب رساند که بر مبنای اتهامات واهی کشورهای غربی زیر سایه سوگیری عامدانه و سیاسی این کشورها طراحی شده بود. سیدمصطفی خوش‌چشم، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران» به بررسی اهداف طراحان این قطعنامه در ضدیت با ایران پرداخته است.

❖❖❖

■ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد چند روز پیش قطعنامه‌ای را به بهانه نقض حقوق بشر در ایران به تصویب رساند. این اقدام را چطور ارزیابی می‌کنید؟

قطعنامه اخیر شورای حقوق بشر یک اقدام مجزا و منفرد نبود بلکه یکی از اقداماتی است که در مجموعه جنگ اراده‌ها و جنگ ترکیبی بین طرف غربی و ایران در حال انجام است. بازیگران غربی در روند اجرای این جنگ، از ابزارهایی مانند جنگ ادراکی، تحریک به اغتشاش، جنگ سایبری، تحریم، اخلال ارزی، اخلال در حوزه صادرات نفت، ترور، خرابکاری و به تصویب رساندن قطعنامه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استفاده کرده‌اند. این کشورها در این راستا به دنبال تحقق اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت خود هستند. هدف کوتاه مدت آنها به عقب راندن ایران در پای میز مذاکرات وین است اما در میان‌مدت و بلندمدت به دنبال تضعیف اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشورمان هستند. اینکه تنها کشورهای غربی به دنبال تصویب این قطعنامه بودند و کشورهای آسیایی و آفریقایی عضو عمدتاً رأی ممتنع و منفی به این قطعنامه دادند، به وضوح نشان می‌دهد اهداف خاص پشت پرده‌ای در تصویب این قطعنامه توسط شورای حقوق بشر ملل وجود دارد که ذیل نفوذ و طراحی طرف‌های غربی بویژه امریکا پیگیری می‌شود.

■ تصویب این قطعنامه در حالی با طراحی کشورهای غربی از جمله آلمان صورت گرفته است که ادعای نقض حقوق بشر توسط ایران بر پایه خبرهایی مطرح و پیگیری می‌شود که به وضوح واهی و دروغین بودن آن به اثبات رسیده است؛ مانند توئیتی که نخست‌وزیر کانادا مبنی بر مجازات اعدام برای حدود ۱۵ هزار معترض منتشر کرد و البته بلافاصله آن را حذف کرد. چطور با وجود نشانه‌های بدیهی و آشکار در دروغ‌پردازی غرب علیه ایران، چنین قطعنامه‌هایی به تصویب می‌رسد؟

مجموع نشست‌هایی که با هدف بررسی قطعنامه پیشنهادی علیه ایران برگزار می‌شد، تحت تأثیر پروپاگاندای طرف‌های غربی و دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب و جریان‌های ضد انقلاب قرار داشت و مقام‌های غربی حاضر در این نشست‌ها بدون اینکه اسناد و مدارک ایران را با دقت مورد بررسی قرار دهند یا حتی به آنها وقعی بگذارند، به وضوح نشان داده‌اند به دنبال بهره‌برداری کاملاً سیاسی از این اقدام هستند و نه احیای حقوق بشر. این همان چیزی است که نشان می‌دهد طرف غربی مدعی حقوق بشر از این حوزه به عنوان یک ابزار برای نیل به اهداف سیاسی بهره می‌برد وگرنه کشورهایی مانند عربستان و بسیاری از کشورهای دیگری هستند که هیچ یک از مفاد حقوق بشر را رعایت نمی‌کنند و طرف‌های غربی اصراری هم برای ایجاد فشار بر آنها ندارند. ماجرای جمال خاشقجی بارزترین نمونه‌ای است که شاهد بودیم نه امریکا نه اروپایی‌ها به هیچ عنوان تنبیه خاصی برای عربستان درنظر نگرفتند. عدم پرداختن به جنایات امریکا در لیبی، یمن، افغانستان و عراق هم مثال واضح دیگری است که نشان می‌دهد حقوق بشر اساساً ابزار سیاسی طرف غربی است.

■ به نظر می‌رسد کشورهای غربی و جریان‌های برانداز در پی تصویب این قطعنامه درصدد تندتر کردن فضا هستند و از پیگیری ادعاهایی از طریق یک کمیته حقیقت‌یاب سخن به میان آورده‌اند. نظر شما چیست؟

جریان ضد انقلاب می‌خواهد با طرح ادعاهایی همچون لزوم تشکیل کمیته حقیقت‌یاب فضا را علیه ایران به سمت و سویی ببرد که ادعاهای سیاسی‌شان رنگ واقعیت بگیرد. اما اثرات چنین قطعنامه‌هایی مانند قطعنامه اخیر صوری است و اثر عملی ندارد.

■ با این حساب امکان پیگیری چنین قطعنامه‌هایی از مجرای شورای امنیت چگونه است؟

بسیار بعید است که کشورهای غربی در این سطح بتوانند موضوع ایران در زمینه حقوق بشر را جلو ببرند؛ یعنی حتی اگر کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهند و ایران به آن اعتنایی نداشته باشد، این موضوع در سطحی بالاتر قدرت مانور ندارد که بتواند کشورها را مجاز کند تا ایران را به سمت شورای امنیت بکشانند. بویژه که موضوع سوءاستفاده از حقوق بشر در راستای ایجاد فشار بر کشورمان است و هدف اصلی آن این است که ایران را در پرونده اتمی و پرونده‌های منطقه‌ای تحت فشار قرار دهند یعنی یک ابزار کمکی است تا اینکه ابزار اصلی باشد. اساساً راحت‌ترین راه برای آنها این است که اگر بخواهند ایران را ذیل قطعنامه‌های شورای امنیت و فصل ۷ ببرند، در چهارچوب برجام از مکانیسم ماشه استفاده کنند. وقتی این کار انجام نمی‌شود به این معناست فعلاً به دنبال افزایش روزافزون فشار بر ایران هستند.

■ نوع مواجهه جمهوری اسلامی با این اقدامات از جمله تصویب چنین قطعنامه‌هایی چگونه باید باشد؟

قطعاً نیاز است که ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، وزارت خارجه و سفارتخانه‌ها یا نمایندگی‌های دیپلماتیک و همچنین همه رسانه‌ها و دستگاه‌های دخیل در دیپلماسی عمومی از طریق رایزنی‌های فرهنگی با قدرت، مصادیق ادعاها و دروغ‌های طرف غربی و این قطعنامه‌ها را به چالش بکشند. البته نه اینکه بتوانند به نتایج چشمگیر سیاسی دست پیدا کنند اما در این صورت دروغ‌های طرف غربی بی پاسخ نمی‌ماند و به چالش کشیده می‌شود و در عین حال افکار عمومی جهان با واقعیات موجود در جمهوری اسلامی ایران آشنا می‌شود.

■ علاوه بر این اقدامات که «واکنشی» به شمار می‌آید، ایران در راستای «کنشگری» باید چه اقداماتی را در دستور کار قرار دهد؟

جمهوری اسلامی ایران در تمامی حوزه‌های این جنگ ترکیبی از جمله مسأله شورای حقوق بشر باید دست به اقدامات واکنشی و پدافندی بزند اما نیاز مبرمی هم وجود دارد تا در همه حوزه‌های یاد شده کنشگرانه دست به اقدامات عاجلی بزند تا با اجرای سیاست هزینه در مقابل هزینه، طرف غربی را متوجه کند که صرفاً به روش واکنشی با مسائل مواجه نمی‌شود.

ایران باید با استفاده از همه مؤلفه‌های قدرت خود به کنشگری بپردازد. کشورمان در حوزه‌های متعددی دارای توانمندی‌های بسیار خاص است که می‌تواند در یک جنگ ترکیبی مقابل در زمینی متفاوت برای طرف‌های مقابل هزینه سنگینی ایجاد کند.

■ این رویکرد چه اثرات بازدارنده‌ای دارد؟

تجربه نشان داده است ما در حوزه‌هایی که با طرف غربی مقابله کرده‌ایم یعنی هزینه در مقابل هزینه ایجاد کرده‌ایم، بازدارندگی به وجود آمده است. افزایش تنش و تصاعد بحران به معنای بازدارندگی از تصاعد بحران و افزایش تنش است. به عنوان مثال وقتی ماه ژوئن (اواخر بهار) قطعنامه شورای حکام آژانس علیه ایران تصویب شد، کشورمان با اقدامات متقابل با این قطعنامه برخورد کرد و باعث شد در شهریورماه قطعنامه دیگری تصویب نشود. در همین راستا وقتی چند روز پیش قطعنامه دیگری در شورای حکام تصویب شد باز از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت خودداری شد اما ایران بلافاصله در واکنش به این قطعنامه با یک اقدام مؤثر واکنش نشان داد و هزینه جدید ایجاد کرد.

این روند نشان داده است که ایران با اعمال هزینه و اتخاذ سیاست تهدیدزدایی، هشدارهای مشخصی را به طرف غربی داده است که باعث می‌شود از افزایش سریع تنش و تصاعد بحران جلوگیری شود. کشورهای غربی بویژه امریکایی‌ها دقیقاً در جایی تنش و تصاعد بحران را افزایش می‌دهند که ببینند برای آنها هیچ هزینه‌ای ندارد به همین دلیل ایران باید با اجرای جنگ ترکیبی و فعال‌سازی ظرفیت‌هایی چون همکاری با روسیه و بسیاری از کشورهای دیگر که دارای توانمندی‌های بسیار خوبی در حوزه‌های جنگ‌های ترکیبی هستند، هزینه‌های سهمگینی را به طرف‌های مقابل وارد نمایند. اما معتقدم طرف اصلی که باید همه هزینه‌های اصلی متوجه آن باشد، رژیم صهیونیستی است. اگرچه عربستان باید هزینه‌های خصومت ورزی خود را بدهد و قطعاً چنین هزینه‌ای را خواهد پرداخت اما هزینه هرگونه اقدام صورت گرفته در حوزه‌های یادشده چه توسط کشورهای اروپایی و امریکا، چه توسط دیگران باید به رژیم صهیونیستی وارد شود.

یک روز پس از دستور رئیس قوه قضائیه صورت گرفت

ارفاق فوتبالی به ۴۶ مجرم امنیتی

گروه سیاسی/ درپی پیروزی ملی پوشان فوتبال کشورمان برابر ولز در مسابقات جام جهانی رئیس قوه قضائیه دستور داد تا زمینه ارفاق برای آن دسته از متهمان آشوب‌های اخیر که مرتکب جرائم خشن نشده‌اند، فراهم شود. در همین راستا روز گذشته دادستان تهران اعلام کرد که مطابق این دستور ۴۶ زندانی که شرایط ارفاق قانونی را داشتند آزاد شدند. هنگامه قاضیانی بازیگر سینما از جمله این افراد بود. همچنین ۱۸ نفر نیز در کردستان آزاد شدند. اما نکته قابل توجه آن بود که یکی از افراد آزاد شده در تهران، حسین رونقی فعال رسانه‌ای ضدانقلاب است که پیشتر خواهان تحریم ملی‌پوشان ایرانی از سوی فیفا و ممانعت از حضور ایران در جام جهانی شده بود. فردی که با انواع نفرت‌پراکنی‌ها در حوادث اخیر به دنبال عصبانیت مردم بود، حالا خوشحالی همان مردم، عامل ارفاق و زمینه‌ساز آزادی موقتش شد.

■ ۶۰ روز اعتصاب غذا!

حسین رونقی ۲ مهرماه به دلیل نقش‌آفرینی در اغتشاشات از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شد. پروژه مظلوم‌نمایی و داستان‌سازی درباره شکنجه وی از همان روز آغاز شد. وی و خانواده‌اش اعلام کردند که رونقی از لحظه بازداشت دست به اعتصاب غذا زده است، امری که بعدها معلوم شد بخشی از یک پروژه گسترده‌تر برای داغ نگه داشتن اخبار اغتشاشات و محصول خدمات متقابل خانواده این زندانی و رسانه‌های ضدانقلاب به یکدیگر بود. انتشار تصاویر حضور پدر و مادر حسین رونقی مقابل زندان اوین و نیز انتشار خبر سکته قلبی پدر رونقی به دلیل شدت ناراحتی از سوی برادر این زندانی، به اخبار حول و حوش این فرد بسامد بیشتری می‌داد. البته وقتی احمد رونقی، پس از سکته ادعایی، بدون مشکل خاصی از بیمارستان خارج شد و چند روز بعد از خودش ویدئو منتشر می‌کرد، سؤالات تازه‌ای درباره ادعاهای خانواده حسین رونقی مطرح شد.

تصویری که روز گذشته از حسین رونقی منتشر شد

■ دروغ‌های عمدی یا اجباری؟

۱۰ مهرماه پدر و مادر حسین رونقی در گفت‌وگو با صدای امریکا اعلام کردند که ضابطان قوه قضائیه هردو پای پسرشان را شکسته‌اند! این ادعا، به همراه خبرسازی‌های مداوم برادر حسین رونقی در شبکه‌های اجتماعی، توجه‌ها را متوجه این مجرم امنیتی کرده بود. یکی از مهم‌ترین پرده‌ها در این داستان‌سرایی، در جریان ادعای انتقال حسین رونقی به بیمارستان دی روی صحنه شبکه‌های اجتماعی برده شد. درحالی که دستگاه قضایی در حال سپری کردن یک فرایند عادی برای حفظ سلامت فرد بازداشتی بود، خانواده وی به گونه‌ای فضاسازی کردند که در نهایت به شکل‌گیری یک تجمع ضدامنیتی، البته محدود در اطراف بیمارستان دی منجر شد. هرچند در فرایند انتقال به بیمارستان هم انتشار تصویر حسین رونقی روی تخت درحالی که مادرش کنارش نشسته است، بخشی از ساختگی بودن روایت‌های این خانواده را برملا کرد.

■ پروژه دروغ

ابتدای هفته حسین رونقی با تبدیل قرار بازداشت موقت و سپردن وثیقه از زندان آزاد شد. روز گذشته تصاویری از حسین رونقی روی تخت بیمارستان منتشر شد که با پرسش‌های جدی از سوی کاربران همراه بود. کاربران، بویژه کاربران خارج‌نشین این سؤال را مطرح کردند که اگر پای رونقی به گونه‌ای که ادعا شده بود، شکسته است، چرا پاهای او سالم است و درگچ نیست؟ اگر ۶۰ روز است که اعتصاب غذا کرده بود، چرا اثری از لاغری و حتی سوءتغذیه در او نیست؟ برخی از کاربران حتی این‌گونه قضاوت کردند که رونقی تلاش کرده است با حبس کردن نفس خود، شکم خود را فرورفته نشان دهد! خسروی دبیر سابق روزنامه اصلاح‌طلب شرق نیز در توئیتر خود نوشت که دو هفته پیش برای پیگیری وضعیت جسمانی رونقی به بیمارستان دی رفته و در آنجا بازداشت شده است. این فرد در انتقاد از پمپاژ خبرهای اغراق‌آمیز در قبال رونقی نوشت: «خانم‌ها! آقایان! استخوان شکسته و اعتصاب غذای شصت روزه این دفعه گذشت. وجدان داشته باشید و دیگر نکنید!» حمزه غالبی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب ساکن خارج از کشور نیز در واکنش به رشته توئیت خسروی نوشت:«کل پروژه حسین رونقی بر پایه دروغ بنا شده است.»

■ سناریوی رسوایی

سناریوسازی دوماهه از سوی خانواده رونقی برای ایجاد بدبینی به نظام جمهوری اسلامی، بویژه از سوی پدر، مادر و برادر وی، درحالی صورت گرفت که حسین رونقی پیش‌تر با دعوت کشورهای غربی به تحریم ملت ایران، چهره ضدملی و ضدمردمی خود را به نمایش گذاشته بود. وی که در وال‌استریت ژورنال، از زمزمه‌های احتمالی در امریکا برای خروج نام سپاه پاسداران از فهرست سازمان‌های تروریستی انتقاد کرده و نوشته بود: «این پیام ما از داخل ایران است: شکنجه‌گران ما را ثروتمند نکنید.»، حالا با موجی از رسوایی و قضاوت‌های افرادی مواجه شده است که برای او نگران بودند.

«ایران» اظهارات روز گذشته نماینده مردم مهاباد را بررسی می کند

روایت مخدوش معلول‌ها توأم با سانسور علت‌ها

گروه سیاسی/ محمودزاده نماینده مردم مهاباد در مجلس، روز گذشته طی تذکری شفاهی در صحن علنی ادعاهایی را در نقد عملکرد ارکان مختلف امنیتی، انتظامی و کشوری درخصوص کنترل آشوب‌های شمالغرب کشور مطرح کرد. سخنانی که بلافاصله با استقبال گسترده و توأم با ذوق‌زدگی رسانه‌های ضدانقلاب همراه شد.

■ اظهارات ناقص نماینده مهاباد

محمودزاده در تذکر شفاهی روز گذشته خود ضمن سانسور یکطرفه آنچه در زمین واقعیات حوادث شهرهایی نظیر مهاباد، بوکان، و پیرانشهر روی داد، اغتشاشات و تحرکات گروهک‌ها در مناطق شمال غرب کشور را «اعتراض مردمی» خواند و از تریبون رسمی مجلس ادعا کرد که «براساس آمارهای غیررسمی در مناطق کردنشین ۱۰۵ نفر کشته شده‌اند.» نماینده مهاباد در مجلس با بیان اینکه وزیر کشور به عنوان رئیس شورای امنیت کشور باید جوابگوی این وضعیت باشید، خواستار شناسایی کسانی شد که به ادعای وی «به مردم تیر جنگی شلیک کرده‌اند.»

وی همچنین عملیات خلع سلاح عوامل مسلح در ناآرامی‌های اخیر مناطق کردنشین که تحت رصد پهپادی نیروهای وزارت اطلاعات قرار گرفته و پس از شناسایی مخفیگاه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند، «دستگیری‌های بدون دلیل شهروندان، هجوم شبانه به منازل» خوانده بود. محمودزاده در کنار این سخنان، تقویت نیروهای سپاه پاسداران از سوی قرارگاه حمزه را «لشکرکشی» توصیف کرد. مسأله‌ای که اما محمودزاده آن را نادیده گرفت، کنترل اغتشاشات و پایان هرگونه حمله به اماکن خصوصی، دولتی و نظامی‌ای بود که تا پیش از این منجر به شهادت تعدادی از نیروهای حافظ امنیت در مناطق شمال غرب کشور شده بود. وی اما در بخش دیگری از سخنانش مدعی شد که رئیس کمیسیون شوراهای مجلس دو سؤال وی از وزیر کشور درباره کولبران و مهسا امینی را به صحن علنی ارائه نمی‌دهد که همین مسأله واکنش جوکار را برانگیخت.

رصد پهپادی عوامل مسلح گروهک‌های تجزیه‌طلب در اغتشاشات اخیر مهاباد

■ نادیده گرفتن عامدانه واقعیت‌ها

اظهارات خلاف واقع نماینده مهاباد در مجلس، آن هم زمانی که اغتشاش‌ها فروکش کرده و تحرکات گروهک‌های تجزیه‌طلب مهار شده است، شائبه تلاش برای شعله‌ور کردن دوباره اغتشاش‌ها را ایجاد کرد. با وجود این، محمودزاده در این تذکر، نه تنها به صورت یکطرفه ماجرا را سانسور کرده است، بلکه اسمی از گروهک‌های تجزیه‌طلب هم نیاورده است؛ گروهک‌هایی که بنا به بیانیه رسمی وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه، نقش جدی و تعیین‌کننده‌ای در کشته‌سازی‌ها و ناامن‌سازی برخی از مناطق کردنشین داشتند. نقش گروهک‌های تروریستی همچون کومله و دموکرات به گونه‌ای بود که برخی به طور آشکار نام «عبدالرحمن قاسملو»، رهبر سابق حزب دموکرات را بر زبان آورده و کشته‌ها را فدایی راه این عنصر تجزیه‌طلب قلمداد کردند. مهم‌تر از همه اینکه نماینده مهاباد در مجلس، در تذکر خود هیچ اشاره‌ای به کشته شدن یک عضو همراه پ.ک.ک در اغتشاشات ایران نکرد، زیرا در این صورت به ناچار می‌بایست به نقش این گروهک در آشوب‌ها اذعان کند. حمله به خانه‌های مردم، هتک ناموس آنان و به تاراج بردن لوازم زندگی آنان و اعتصاب اجباری بازارها با تهدید جانی کسبه واقعیت دیگری بود که گویا از چشم نماینده مهاباد دور مانده است. در این میان، پرسش مهم دیگر این است که چرا محمودزاده فراخوان‌های گروهک‌های تجزیه‌طلب، بویژه کومله برای اعتصاب و آشوب را ندیده یا درباره اظهارات جان بولتون سخنی به میان نیاورده است؟ با این همه، محمودزاده، نه تنها چشم بر این واقعیت‌ها بست، بلکه درست در زمانی این مطالب به اذعان خودش «غیررسمی» را بیان کرد که اساساً آشوب در شهرهای ملتهب استان‌های آذربایجان غربی و کردستان مهار شده است.

■ پاسخ رئیس کمیسیون شوراها

رئیس کمیسیون شوراها در پاسخ به تذکر نماینده مهاباد، گفت: آقای محمودزاده دو سؤال را در کمیسیون شوراها مطرح کردند که سؤال نخست وی درخصوص کولبری و کولبران بود؛ جمع‌بندی در کمیسیون مبتنی بر این شد که وزارت کشور ظرف مدت یک ماه بازرسانی را برای بررسی موضوع اعزام کند تا مشکلات حل شود. اگر مشکلات حل نشود وی می‌تواند مجدداً در کمیسیون اعلام کند سؤالش پابرجا است. نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: سؤال دوم وی درخصوص مرگ خانم مهسا امینی بود. با توجه به گزارش کمیسیون که منتج از بررسی دقیق و مطالعات میدانی توسط کمیته تحقیق بود و در صحن مجلس قرائت شد، سؤال ایشان دیگر برای مطرح شدن، موضوعیت نداشت.

دیگه چه خبر؟

شهید امنیت مشهد، مجاهد دیروز لرستان

خبر اول اینکه، روز گذشته تصویری از شهید بسیجی مدافع امنیت دانیال رضازاده از سوی دوستان این شهید در فضای مجازی منتشر شد. این تصویر قابی از حضور شهید رضازاده در حال امدادرسانی به مردم سیلزده شهر پلدختر در استان لرستان را نشان می‌دهد که در فروردین ۹۸ ثبت شده است.

شهیدان دانیال رضازاده و حسین زینال زاده روز پنجشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در اغتشاشات مشهد بواسطه جراحات ناشی از ضربات چاقوی یکی از اشرار به شهادت رسیدند. پیکر پاک این دو بسیجی دانشجو طی مراسمی کم‌نظیر و باشکوه در حرم مطهر رضوی تشییع شد.

برد ایران مقابل ولز، فضای مجازی چین را تسخیر کرد

خبر دیگر اینکه، رسانه‌های چینی در روزهای اخیر پس از پیروزی تیم ملی کشورمان واکنش‌های زیادی به این مسأله نشان دادند و نسبت به آن ابراز خوشحالی کردند.

«چانگ هوا» سفیر چین در ایران با اشاره به پیروزی در برابر ولز نوشت: «مردم چین به مسابقه تیم ملی ایران در جام جهانی توجه زیادی دارند و برای پیروزی ایران تبریک می‌گویند.» همچنین در تصویری که سفیر چین در توئیتر خود استفاده کرده، پیروزی تیم ملی ایران برابر ولز با بیش از ۳۳۰ میلیون بازدید، در صدر عناوین پربازدید شبکه‌های اجتماعی چین قرار گرفته است. این بازدید بالا نشان می‌دهد مردم و رسانه‌های چینی به دنبال کردن بازی‌های ایران علاقه‌مندند.

اعتراض تند سیاستمدار ایرلندی به جنگ تبلیغاتی علیه ایران

شنیدیم که، هجمه رسانه‌ای و دروغ‌پراکنی تمام‌عیار علیه ایران باعث شده برخی مقامات غربی نیز به این مسأله اعتراض کنند. مایک والاس، نماینده ایرلند در پارلمان اروپا با اعتراض به این مسأله گفت: «هفته گذشته نمایندگان پارلمان اروپا و اعضای سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا و حتی برخی از رهبران جهان را داشتیم که اطلاعات نادرستی منتشر و ادعا کردند دولت ایران تصمیم گرفته حدود ۱۵۰۰۰ معترض را اعدام کند! وقتی این دروغ برملا شد، نخست‌وزیر کانادا توئیت خود را حذف کرد اما عذرخواهی نکرد!»

وی با اشاره به اقدامات تروریستی صورت گرفته توسط اغتشاشگران ادامه داد: «همچنین خشونت‌ها و قتل‌های زیادی توسط برخی از معترضان در ایران انجام شده است که در هیچ جا قابل تحمل نیست. جان بولتون تأیید کرد مخالفان ایران اکنون به سلاح‌هایی مجهز شده‌اند که از کردستان عراق وارد ایران می‌شود و ایران مورد حمله قرار گرفته و کارزار تبلیغاتی و حمله رسانه‌ها شدید است.»

نماینده ایرلند حتی به سناریوی سوریه‌سازی در ایران نیز اشاره کرد و با اعتراض به این مسأله گفت: «کمپین تبلیغاتی و ایجاد بی‌ثباتی، عملیات تغییر رژیم سوریه را به ذهن متبادر می‌کند. کسانی که از به اصطلاح انقلاب سوریه حمایت کردند، امروز در مورد سوریه ویران و غیر قانونی اشغال شده که تا حد مرگ تحریمش کرده‌اند و میلیون‌ها آواره و صدها هزار نفر کشته شده‌اند، چیزی نمی‌گویند. آیا این چیزی است که برای ایران می‌خواهید؟»

روایت BBC از چپ‌های امریکایی

باخبر شدیم که، روز شنبه در تعدادی از شهرهای خارج از کشور تجمعاتی در حمایت از اغتشاشات ایران و اقدامات تجزیه‌طلبانه احزاب کرد همچون کومله و دموکرات برگزار شد. در بیشتر این تجمعات بخصوص در تجمعی که در پاریس برگزار شد، شرکت‌کنندگان پرچم‌های غیرایرانی و متعلق به احزاب تجزیه‌طلب همچون حزب دموکرات، کومله و پژاک حمل می‌کردند. به گزارش تسنیم، بی‌بی‌سی فارسی که پیش از این خبرنگارش (رعنا رحیم‌پور) از مأموریت اینترنشنال برای گفت‌وگو با احزاب تجزیه‌طلب کردستان خبر داده بود و این رسانه نیز از گفت‌وگو با آنها ابا دارد، از عنوان «چپ‌گرایان» برای تجزیه‌طلبان استفاده کرد.

«چپ گرا» عنوانی است که برای گروه‌ها و احزابی که به افکار کمونیستی و سوسیالیستی تمایل دارند و در دوره شوروی با آن دولت ارتباط داشتند به‌کار می‌رود، در حالی که اکنون بسیاری از این گروه‌ها مورد حمایت سیاسی و مالی دولت‌های غربی هستند و با اسرائیل نیز همکاری نزدیکی دارند. این در حالی است که اینترنشنال در روزهای گذشته بارها با سران احزاب تجزیه‌طلب کرد گفت‌وگو کرده و حتی بتازگی میهمان این برنامه گفته است: «همه باید بگوییم که تجزیه‌طلب هستیم.»

وطن‌فروش‌ها، عصبانی از کی‌روش پرتغالی!

دست آخر اینکه، رسانه‌های فارسی‌زبان که با بی‌شرمی و خبرسازی تلاش داشتند مانع از حضور تیم ملی فوتبال کشورمان در جام جهانی ۲۰۲۲ شوند، در نهایت خودشان از رسیدن به دوحه منع و نقره‌داغ شدند؛ این رسانه‌ها اما سعی داشتند با پرداختن به انواع حواشی فوتبال از جمله استخدام خبرنگاران صهیونیست برای مصاحبه با معدود اپوزیسیون حاضر در دوحه، تهیه گزارش‌های منفی و حمله به بازیکنان تیم ملی، اظهار نفرت از پیروزی و خوشحالی مردم و... بازی تعیین‌کننده ایران و امریکا را تحت‌الشعاع قرار دهند. در این بین اما رسانه‌های رسمی دولت امریکا، آلمان و انگلیس نیز به کمک رسانه‌های ضدایرانی آمدند اما با هوشیاری کادر تیم ملی در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند.

به گزارش تسنیم، این رسانه‌ها که از خوشحالی مردم پس از پیروزی تیم ملی در برابر تیم ولز عصبانی بودند، حتی جشن پیروزی در شهرهای ایران را جشن «حکومتی» خواندند تا به ناکامی خود تسکین ببخشند. مسأله‌ای که عمق کینه آنها از همدلی و اتحاد ایرانیان را به نمایش گذاشت. در این میان کارلوس کی‌روش سرمربی پرتغالی و مطرح تیم ملی فوتبال کشورمان که در روزهای گذشته تلاش کرد تا بازیکنان به دور از کمترین حواشی کار خود را پیش ببرند و پس از شکست در برابر تیم انگلیس توانست تیم را بازیابد و پیروزی در برابر ولز به دست آورد، این روزها بیش از دیگر اعضای تیم ملی مورد هجمه رسانه‌های فارسی‌زبان بخصوص اینترنشنال قرار گرفت. پاسخ‌های سرمربی تیم ملی به سؤالات جهت‌دار تعدادی از خبرنگاران انگلیسی و آلمانی موجب شد تا این رسانه سعودی بیش از پیش عصبانی و نگران شود. ایران‌اینترنشنال در آخرین گزارش‌های ضدایرانی خود با موضوع جام جهانی ۲۰۲۲، کی‌روش را نماینده «ولی‌فقیه» در تیم ملی خواند! مجری وطن‌فروش سرویس ورزشی این شبکه نیز که پس از پیروزی تیم ملی ایران در برابر ولز با ظاهری یکدست مشکی روی آنتن ظاهر شده بود، در صحبت‌هایی سرمربی تیم ملی کشورمان را شبیه افرادی دانست که در حوزه‌های علمیه درس خوانده‌اند!